



The Quarterly Journal of Lesān-E Mobeen
(Research in Arabic Literature)

Print ISSN: 2355-8002

Online ISSN: 2676-3516

Article Type: Research

Vol. 12, New Series, No.43, Spring 2021



**The Identity of Third Place in the "Khan Alkhalily" by
Naguib Mahfouz: "Ray Oldenberg" Theory**

Nassrin Kazemzadeh

PhD in Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University. n.kazemzade@yahoo.com

Faramarz Mirzaei

Professor In Department of in Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University.

Received on:01/01/2020

Accepted on: 26/05/2020

DOI: 10.30479/Im.2020.12366.2950

© xxxx Imam Khomeini International University. All rights reserved.

Abstract

The term third place was coined by Ray Oldenburg, a sociologist, in 1990 to explain places that would assemble the people without planning and creativity in community construction. A third place is a public place where neither home serves as a first-place nor location as a second place. Gardens, parks, coffee shops, libraries, and any institution that makes social health can be called a third place. The novel "Khan Alkhalily," written by Naguib Mahfouz, consists of two-third central locations, cafes, and casinos; each plays a significant role in developing the novel's two main characters: Ahmad and Rushdy. This study aimed to study the identity of the third places to analyze the identity properties of the two-third places as the opposite of identity in the novel. The results suggest that coffee bar and casino have features such as easy positioning and easy clients and stable clients

Keywords: The identity of third place, coffee & bar, Ray Oldenburgs, Khan Alkhalily, Naguib Mahfouz

واکاوی هویت مکان سوم در رمان «خان‌الخلیلی» اثر نجیب محفوظ بر اساس نظریه «ری اولدنبرگ»*

نسرین کاظم‌زاده، دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس

فرامرز میرزائی، استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

اصطلاح «مکان سوم» توسط ری اولدنبرگ، جامعه‌شناس شهری در حدود سال‌های ۱۹۹۰ ابداع شد تا مکان‌هایی را تشریح کند که مردم را بدون برنامه‌ریزی، ناگهانی و به طور خلاقانه در جهت ساخت اجتماع، دور هم جمع می‌کند. مکان سوم، مکانی عمومی است که نه خانه، به عنوان «مکان اول» و نه محل کار، به عنوان «مکان دوم» است؛ از این رو باغ‌ها، پارک‌ها، قهوه‌خانه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز اجتماعی و هر مؤسسه‌ای که باعث سلامت اجتماعی افراد شود، به عنوان قلب سرزندگی جامعه و مکان سوم شناخته می‌شود. رمان «خان‌الخلیلی» نجیب محفوظ، دارای دو مکان محوری سوم؛ یعنی قهوه‌خانه و کازینو است که هر کدام نقش قابل توجهی در تحول زندگی دو شخصیت اصلی رمان (احمد و رشدی) دارد. این پژوهش بر آن است به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه ری اولدنبرگ درباره هویت مکان‌های سوم، به تحلیل ویژگی‌های هویتی این دو مکان سوم و نیز تقابل هویتی حاصل از آن در رمان مذکور بپردازد. نتایج گویای آن است که قهوه‌خانه و کازینو دارای ویژگی‌های هویتی منحصربه‌فردی چون: خنثی بودن، هم‌سطح‌کنندگی، جدی نبودن، گفتگو، دستیابی آسان و مشتری‌های ثابت است.

کلمات کلیدی: هویت مکان سوم، قهوه‌خانه و کازینو، ری اولدنبرگ، خان‌الخلیلی، نجیب محفوظ.

* - تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶

- پست الکترونیکی نویسنده مسئول: n.kazemzade@yahoo.com

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2020.12366.2950

۱. مقدمه

مکان‌های سوم محل مناسبی برای رهایی از فشارهای عصبی و تنهایی است که در عین حال، توجه کمتری به مزایای این نوع از مکان‌ها وجود دارد. ارزش واقعی مکان‌های سوم، ارتباطی به زندگی شتاب‌زده، استرس و فشارهای عصبی یا نیاز به فراغت از فعالیت‌های درآمدزا ندارد. «هر چند موضوع فرار در اصل اشتباه نیست؛ ولی تأکید بر این موضوع نیز صحیح نیست. در این رویکرد، بر شرایط خارجی مکان‌های سوم بیش از حد پرداخته شده است؛ در حالی که تجربه و ارتباط‌هایی که تنها در مکان سوم و نه هیچ‌جای دیگر می‌توانند شکل بگیرند، اهمیت خود را از دست داده‌اند.» (Oldenburg, 1999:21)

با وجود اینکه شخصیت‌پردازی مکان‌های سوم به عنوان مأمّن آرامشی برای فرار از خانه و کار کافی نیست؛ ولی نکته مثبتی در آن نهفته است مبنی بر اینکه، ماهیت وجودی مکان‌های سوم در تفاوت آن‌ها با مکان‌های زندگی روزمره معنا می‌یابد که در مقایسه با آن‌ها، این امر به خوبی مشهود است. این مقایسه به معنای بد جلوه دادن خانه یا محل کار به منظور پررنگ ساختن اهمیت مکان‌های عمومی جمع‌ی نیست؛ اما با اندکی تأمل می‌توان اطمینان یافت که به این مکان‌ها که ارتباط مهمی با آزادی و رضایت‌مندی ما دارند، چنان که باید پرداخته نشده و حق کلام ادا نشده است.

«در یک فضای عمومی خوب همچون یک مکان سوم، فعالیت‌های ضروری (کارهایی که افراد ملزم به انجام آن هستند) به سرعت جای خود را به فعالیت‌های انتخابی (اموری که از انجام آن‌ها لذت می‌برند) می‌دهند که از آن‌ها، سطوح مختلفی از فعالیت‌های اجتماعی می‌توانند پدیدار شوند. در آخر مکان‌های خوب، جریان پویای دیدن، دیده شدن و ملاقات را به وجود می‌آورند.» (Montgomery, 2006: 31)

از آنجا که مکان یکی از عناصر اصلی روایت به شمار می‌رود، در بیشتر رمان‌ها شاهد حضور مکان‌های سوم در کنار دیگر مکان‌ها هستیم. مکان‌های سومی که به نوبه خود می‌توانند در پیشبرد حوادث رمان و به تبع آن سرنوشت شخصیت‌ها نقش بارزی ایفا کنند. این مکان‌ها عموماً در قالب قهوه‌خانه، بار، خیابان-های اصلی و پارک‌ها پدیدار می‌شوند. خواننده‌ای که آثار محفوظ را دنبال می‌کند، ارزش نقشی را که قهوه‌خانه‌ها در آثار و زندگی‌اش بازی می‌کنند، درمی‌یابد؛ زیرا به ندرت اثری از وی می‌بینیم که خالی از عنصری به نام قهوه‌خانه باشد. قهوه‌خانه‌هایی مثل قشمر، رکس یا خان‌الخلیلی، کرشه در رمان زقاق‌المدق و کرنک در رمان الکرنک.

حضور پررنگ قهوه‌خانه در رمان‌های نجیب به آن دلیل است که رمان‌هایش ویژگی مردمی و انسانی به خود گرفته است. مهم‌ترین ویژگی‌ای که قهوه‌خانه‌های محفوظ دارند، این است که دارای اسمی خاص هستند که توصیف آن بخش زیادی از رمان را به خود اختصاص می‌دهد؛ هرچند در «خان‌الخلیلی» به توصیف جزئیات قهوه‌خانه، آنچنان که باید پرداخته نشده است.

در رمان «خان‌الخلیلی»، قهوه‌خانه «زهره» و کازینوی «سکاکینی» دو مکان سوم می‌باشند؛ در این پژوهش برآنیم تا ویژگی‌های هویتی این دو مکان را با تکیه بر نظریه «اولدنبرگ»، مورد تحلیل قرار دهیم تا بدین‌وسیله، بُعد جدیدی از قابلیت‌های این دو مکان سوم مشخص گردد که در نهایت، در این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این دو سؤال هستیم:

ویژگی‌های هویتی «قهوه‌خانه» و «کازینو» در رمان خان‌الخلیلی چیست؟

این دو مکان سوم چه نقشی در تحول شخصیت‌های اصلی این رمان، ایفا می‌کنند؟

رمان «خان‌الخلیلی» در خصوص خانواده احمد عاکف است. احمد به همراه پدر و مادرش در محله یهودی‌نشین «سکاکینی» زندگی می‌کند که به دلیل حملات هوایی ناشی از جنگ جهانی اول، مجبور به نقل مکان به محله «خان‌الخلیلی»، می‌شوند. احمد در محله جدید خیلی زود در قهوه‌خانه زهره، دوستانی پیدا می‌کند و از رهگذر این ارتباطات و آشنایی‌ها، «خان‌الخلیلی» برایش جذاب و قابل تحمل می‌شود؛ اما رشدی برادر کوچک احمد بعد از انتقال از اسبوط به مصر، هنوز تعلق خاطری به محله جدید ندارد و شب‌ها برای خوشگذرانی با دوستانش به کازینوی محله «سکاکینی» می‌رود. در اثر این رفت و آمدها به آنفلوآنزای شدیدی مبتلا می‌شود که در نتیجه تکرار این عادت شبانه به بیماری سل مبتلا می‌گردد؛ اما اصرار وی برای رفت و آمد به کازینو باعث تشدید بیماری و در نهایت مرگ وی می‌شود. خانواده چون خاطره بدی از «خان‌الخلیلی» دارند به سرعت به محله دیگری نقل مکان می‌کنند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره هویت مکان سوم در رمان، نگارنده در منابع فارسی و عربی، به موردی خاص برخورد که این امر، نشان‌دهنده موضوع و عنوان جدید این پژوهش است؛ اما با وجود این، لازم به ذکر است پژوهش‌هایی درباره هویت مکان سوم در رشته معماری و طراحی شهری صورت گرفته که می‌توان به مقاله «راز ماندگاری پیاده‌راه جلفای اصفهان به عنوان مکان سوم» (۱۳۹۳) از طنز کارگر و مینو قره‌بگلو اشاره نمود؛ نگارندگان در این مقاله ضمن تعریف مکان سوم و بیان ویژگی‌های آن، در پی اثبات راز ماندگاری پیاده‌راه جلفای اصفهان به عنوان یک مکان سوم هستند. الهام داودی و آتوسا مدیری در مقاله «ارزیابی پراکنش مکان‌های سوم در ارتباط با سطوح طبقات اجتماعی مختلف شهر زنجان» (۱۳۹۴)، اذعان دارند که ویژگی‌های خاص هر یک از طبقات اجتماعی، نوع خاصی از روابط و مناسبات اجتماعی را در میان اعضای هر طبقه تعریف می‌کند که در نهایت، این امر بر تعداد و نوع مکان‌های سوم شکل گرفته، تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ اما درباره رمان «خان‌الخلیلی» محفوظ، می‌توان به پایان‌نامه «دراسة عناصر الشكل الروائی فی رواية خان‌الخلیلی لنجیب محفوظ» (۱۳۸۷) از زهرا عادل و نیز پایان‌نامه «نقد و بررسی رمان خان‌الخلیلی اثر نجیب

محفوظ» (۱۳۹۰) از معصومه غفور اشاره کرد که هر دو پایان‌نامه، عناصر داستان را در این رمان مورد بررسی قرار داده‌اند.

در خصوص قهوه‌خانه نیز می‌توان به مقالهٔ «المقهی فی الروایة العربیة»، مصطفی الضبع اشاره کرد. این مقاله به نقش قهوه‌خانه در رمان عربی به‌ویژه در رمان‌های محفوظ می‌پردازد؛ از جمله قهوه‌خانهٔ «کرشه» در رمان زقاق المدق، «الکرنک» در رمان الکرنک و «زهره» در رمان خان‌الخلیلی. در بخشی از این مقاله، به فعالیت‌های سیاسی که در قهوه‌خانه‌ها انجام می‌گیرد نیز اشاره شده است.

۲. بحث و بررسی

قهوه‌خانهٔ «زهره» یکی از مکان‌های سوم رمان «خان‌الخلیلی» است که احمد عاکف از شخصیت‌های اصلی این رمان، به آنجا رفت و آمد می‌کند.

۲-۱. تعاریف مکان‌ها

۲-۱-۱. قهوه‌خانه

در خصوص لفظ قهوه‌خانه باید گفت که «در زبان عربی عادتاً به جای «المقهی»، از «القهوة» استفاده می‌شود؛ یعنی نوشیدنی (القهوة) جایگزین مکان نوشیدن (المقهی) شده است. در این تغییر، لفظ عام (قهوه) بر لفظ فصیح (قهوه‌خانه) که اشاره به مکان دارد، غلبه یافته است. از این رو مکان با لفظ قهوه به‌کار برده می‌شود چه قهوه با دیگر نوشیدنی‌ها یا غذاها ارائه شود یا نشود.» (الضبع، ۲۰۰۰: ۲)

این واژه در فرهنگ لغت دهخدا چنین تعریف شده است: «جائی که قهوه و چای دم کنند و فروشند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۸۲۷) واژهٔ مذکور در زبان انگلیسی معادل «کافی‌شاپ» است و به رستورانی کوچک که مردم برای صحبت و نوشیدن قهوه، چای و خوردن غذاهائی همچون سوپ می‌روند، گفته می‌شود.» (simpson & Edmund, 1989: 506)

قهوه‌خانه به عنوان یک مکان، قبل از ورود قهوه به مصر در قرن شانزدهم میلادی وجود داشته که مکانی برای نوشیدن دارچین و زنجبیل بوده است. بعدها قهوه، نوشیدنی غالب قهوه‌خانه‌ها شد. «گفته می‌شود صوفیان اولین کسانی بودند که قهوه را وارد مصر کردند؛ اما نوشیدن چای در قهوه‌خانه‌ها در کنار دیگر نوشیدنی‌ها تا قرن نوزدهم مرسوم نبوده است.» (الأنصاری، ۱۹۷۸: ۹۱).

علی‌رغم اهمیت جایگاه قهوه‌خانه در مصر و ضرورت وجود آن، قهوه‌خانه همراه همیشگی محله‌های پایین شهر بوده است. هر آنچه که درباره این محله‌ها و خانه‌های آن گفته می‌شود، بر قهوه‌خانه نیز منطبق است. نجیب در خصوص نقش قهوه‌خانه در رمان‌هایش می‌گوید: «قهوه‌خانه‌ها نقش بزرگی در زندگی ما دارند و برایم همانند گنجینهٔ بشری وسیعی از اندیشه‌ها و شخصیت‌ها هستند.» (التواتی، ۲۰۰۸: ۵)

قهوه‌خانه «زهرة» در رمان خان‌الخلیلی تنها یک دکور نیست؛ بلکه فراتر از آن، نقشی مهم در تحول شخصیت اصلی رمان؛ یعنی عاکف دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

مکان سوم دیگری که در رمان «خان‌الخلیلی» حضوری پررنگ دارد، «کازینوی» محله سکاکینی است، جایی که رشدی سال‌های زیادی را در آنجا سپری کرده و بعد از بازگشت به مصر، شب‌ها را تا دیروقت با دوستانش در کازینوی آن به خوشگذرانی می‌پردازد.

۲-۱-۲. کازینو

«کازینو» محلی برای انجام انواع بازی‌ها و شرط‌بندی بر سر آن‌هاست. منبع اولیه پیدایش قمار ناپیداست؛ اما گویی چینی‌ها برای نخستین بار، ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، قمار را به نام خود ثبت کرده‌اند؛ ولی قمار در تمام جوامع و دوره‌های تاریخی به چشم می‌خورد. «از دوره‌های یونان، روم باستان و ایران باستان تا ناپلئون و دربار فرانسه و انگلیس، قصه‌های بسیاری از بازی‌های مختلف بر سر پول و اموال یکدیگر بر مبنای شانس و احتمالات دیده می‌شود. قمارخانه یا همان کازینوها ابتدا در آمریکا شهرت داشتند که توسعه و شکل‌گیری انواع این سالن‌ها به چهار شهر مهم مربوط می‌شد: نیواورلئان، سنت‌لوئیس، شیکاگو و سان‌فرانسیسکو. در این سالن‌ها مسافران می‌توانستند اشخاصی را بیابند که با آنها هم‌صحبت شوند، بنوشند و قمار کنند.» (القصیری، ۱۹۸۱: ۴۹۲)

کازینو از توابع قهوه‌خانه‌هاست؛ چراکه ظهور قهوه‌خانه قبل از کازینو بوده است. از این رو کازینو از نظر شکل، وسعت و اشیای موجود در آن تا حدودی مثل قهوه‌خانه است. کازینو ابتدا در محله‌های مخصوص خارجی‌ها به وجود آمد و بعد از آن به محله‌های دیگر که خارجی‌ها با مصری‌ها در کار و مسکن با هم مختلط نبودند، انتقال یافت و در نهایت به محله‌های پایین شهر راه پیدا کرد. (سعاد، ۲۰۰۸: ۹۶)

در رمان مذکور، «سکاکینی» به عنوان محله‌ای یهودی‌نشین، دارای کازینو است، رشدی از جمله مشتریان ثابت آن است که بعد از نقل مکان به «خان‌الخلیلی»، رفت و آمدهای شبانه‌وی به کازینو همچنان ادامه می‌یابد و نکته قابل توجه آن است که محفوظ درست مانند قهوه‌خانه به جزئیات کازینو، خیلی اشاره نکرده است.

۲-۲. تحلیل ویژگی‌های هویتی مکان سوم

«اولدنبرگ» از ویژگی‌هایی به عنوان مؤلفه‌های اصلی سازنده هویت مکان‌های سوم نام می‌برد که در این بخش، بعد از ارائه چارچوبی از ویژگی‌های مکان‌های سوم، به تحلیل مؤلفه‌های سازنده هویت «قهوه‌خانه» و «کازینو» به عنوان دو مکان سوم رمان «خان‌الخلیلی» خواهیم پرداخت:

۲-۱. خنتی بودن

برای آنکه شهر و محله‌هایش بتوانند ارتباط‌های غنی و متنوعی ایجاد کنند، باید بستری خنتی برای تجمع مردم در کنار یکدیگر وجود داشته باشد؛ یعنی «مکان‌هایی وجود داشته باشند که افراد بتوانند به دلخواه خود بیایند و بروند و هیچ‌کدام نقش میزبان نداشته باشند، در همان حال، همه احساس راحتی و در خانه بودن کنند؛ چنانچه هیچ بستر خنتایی در محله مورد سکونت وجود نداشته باشد، ارتباط خارج از خانه کم‌رنگ می‌شود و بیشتر همسایگان هرگز یکدیگر را ملاقات نخواهند کرد و هیچ ارتباطی شکل نخواهد گرفت». (oldenburg, 1999: 32)

قهوه‌خانه «زهره» مکانی خنتی در محله «خان‌الخلیلی» به شمار می‌رود که افراد محل در هر ساعتی از روز تا پاسی از شب، در آنجا آزادانه رفت و آمد می‌کنند. این موضوع در عین حال، منجر به ایجاد آشنایی و پیوندهای دوستی و حتی خانوادگی میان افراد شده است. عاکف معمولاً ساعت نه شب و دیرتر از بقیه به قهوه‌خانه می‌رود. وجود این قهوه‌خانه باعث شده افراد از حال و روز هم و حتی از زندگی خصوصی و مشکلات یکدیگر باخبر شوند و در عین حال، در مورد مسائل مختلف صحبت کنند؛ مثلاً اگر کسی به هر دلیلی غایب باشد، جویای حالش می‌شوند.

«فَوَقَفَ الْحَدِيثُ عَنِ الْغِنَاءِ عِنْدَ ذَلِكَ الْحَدِّ. لَأَحْظَ كَمَا لَخَلِيلُ أَنَّ سَلِيمَانَ تَأَخَّرَ بِالْبَلَدِ أَكْثَرَ مِنَ الْمُعْتَادِ. فَقَالَ سَيِّدُ عَارِفٍ مُتَضَاحًا: أَرَأَيْتَ اللَّهُ أَسْبُوعَيْنِ مِنْ وَقَاحَةِ خَلْقِهِ. فَقَالَ عَبَّاسُ شَفَّةُ بِانْكَارٍ: عَمَّا قَرِيبٍ يَصِيرُ عَرُوسًا. فَاسْتَدْرَكَ سَيِّدُ عَارِفٍ قَائِلًا بِأَسْفٍ: أَمَّا الْعَرُوسُ كَرِيمَةُ يُوْسُفَ بَهْلَةَ فَوَاللَّهِ مَا رَأَتْ عَيْنِي أَجْمَلُ مِنْهَا قَطُّ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۸۸)

خنتی بودن مکان سوم، منجر به ایجاد زمینه‌ای امن برای برقراری ارتباط با افراد ناآشنا می‌شود. یک مکان سوم مثل قهوه‌خانه، افراد را از باید‌ها و نبایدهایی که شدیداً در فضای شخصی احساس می‌شوند، آزاد می‌سازد و به آنان اجازه می‌دهد که در بستری بی‌طرف، درباره خود و دیگران بیاموزند؛ البته باید به یاد داشته باشیم که این تنها یک امکان است؛ زیرا یک فرد می‌تواند انتخاب کند که در چنین مکان سومی با خود خلوت کند یا با دیگران ناآشنا درآمیزد و این آشنایی به تدریج منجر به ایجاد دوستی‌های عمیق میان افراد شود، موضوعی که در قهوه‌خانه زهره به شدت دیده می‌شود.

در کازینو نیز به عنوان یک مکان سوم، رشدی تا پاسی از شب و در برخی موارد تا بعد از نیمه شب با دوستانش مشغول خوشگذرانی است؛ چرا که هیچ قانون و قاعده خاصی برای رفت و آمد افراد وجود ندارد و از همه مهم‌تر، کسی نقش میزبان را بر عهده ندارد:

«يَسْرُبُونَ وَيَسَامِرُونَ حَتَّى وَافَتِ التَّاسِعَةُ فَتَنْهَضُوا إِلَى بَهْوِ اللَّعْبِ الْمَحْبُوبِ. فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ رَيْحٌ زُشْدِي مَبْلَغًا كَبِيرًا فَبَلَغَ رَيْحُهُ فِي مُنْتَصَفِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ، ثَلَاثَةَ جُنْهَاتٍ وَهُوَ مَوْعِدُ انْتِهَاءِ السَّهْرِ، ثُمَّ انْفَضُوا مِنْ حَوْلِ الْمَائِدَةِ.» (همان: ۵۷۶-۵۷۷)

از طرفی هویت کازینو به گونه‌ای است که رشدی و دوستانش گذر زمان را احساس نمی‌کنند و حتی متوجه گذشت روز و شب نمی‌شوند:

«دَفِنَتِ الْحُجْرَةَ الْمُغْلَقَةَ التَّوَافِدُ بِأَنْفَاسِهِمْ وَالتَّهَبَ الْكُحُولُ بِأَفْيِدَتِهِمْ، فَتَصَيَّبُوا عَرَقًا وَعِنْدَمَا دَقَّتِ السَّاعَةُ الثَّانِيَةَ بَعْدَ مُنْتَصِفِ اللَّيْلِ قَالَ بَعْضُهُمْ: حَسْبُكُمْ لَعَبًا وَإِلَّا قَضَيْنَا نَهَارَ الْعِيدِ الْأَوَّلِ نَانِمِينَ.» (همان: ۵۷۷)

عنصر فراموش کردن ناخودآگاه، عنصر مهم مکان سوم است؛ چراکه گذر زمان در آن حس نمی‌شود تا بدین طریق، تعامل هدفمند نشأت گرفته از ارتباطات مکان سوم، به خوبی شکل گیرد. در کازینو گذر زمان را از افراد مخفی می‌کنند؛ مثلاً ساعتی بر دیوار نصب نمی‌شود و هیچ پنجره‌ای رو به بیرون وجود ندارد و یا اگر هم هست، بسته است؛ دلیل این امر آن است که اگر افراد ندانند چقدر وقت صرف کرده‌اند، شاید هرگز بابت زمان از دست‌رفته اظهار پشیمانی نکنند.

فراموشی در کازینو بیش از هر چیز، ناشی از اشتغال افراد به قمار، لهو و لعب و سرگرمی‌هایی از این نوع است؛ چراکه ماهیت کازینو در درجه اول برای این فعالیت‌ها تعریف شده تا افراد برای چند ساعت از دنیای بیرون غافل شوند؛ به‌طور کلی، عنصر فراموشی در کازینو بیش از قهوه‌خانه به چشم می‌خورد.

۲-۲-۲. هم‌سطح‌کنندگی

هم‌سطح‌کننده، عنوانی است که به جناح چپ سیاسی در زمان چارلز اول اطلاق می‌شد. هدف این جناح، از بین بردن تفاوت‌های مقام یا جایگاه بین مردم بود. در اواسط قرن هفدهم، این واژه در انگلستان بیشتر مورد استفاده قرار گرفت و برای هر چیزی که باعث تساوی مردم می‌شد، به‌کار می‌رفت. «قهوه‌خانه که یکی از جلوه‌های جدید دموکراسی میان انگلیسی‌ها بود، مکانی هم‌سطح‌کننده و ماهیتاً شمول‌گرا داشت؛ یعنی برای عموم بود و مؤلفه‌های رسمی برای عضویت در آن وجود نداشت.» (دانش‌پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۲۴۱)

یکی از دلایل رفت و آمد عاکف به قهوه‌خانه «زهره»، حضور راشد است که لیسانس حقوق داشته، وکیل است؛ هر چند که عاکف تحصیلات دانشگاهی ندارد؛ اما راشد را که تا حدی به طبقه اجتماعی او نزدیک است، برای بحث و تبادل نظر، گزینه مناسبی می‌داند؛ اگرچه در خیلی از موضوعات نیز با هم اختلاف نظر دارند؛ اما از بحث کردن با هم لذت می‌برند.

«كَانَ لَا يَحْفَظُ الشَّعْرَ وَيَحْتَوِرُ الْأَسْتِشْهَادَ بِهٖ فَتَسَاءَلَ فِي رَفْقٍ: أَنْتَ يَا عَاكِفُ مِنَ الَّذِينَ يَسْتَشْهَدُونَ بِالشَّعْرِ؟ فَتَسَاءَلَ عَاكِفٌ بِانْكَارٍ: وَمَاذَا تَرَى فِي ذَلِكَ؟ - لَا شَيْءَ الْبِتَّةُ إِلَّا أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ النَّاسَ عَادَةً لَا يَعْدِلُونَ بِالشَّعْرِ الْقَدِيمِ شَعْرًا حَدِيثًا مِمَّا يُوجِبُ أَنْ يَكْتُرَ اسْتِشْهَادَهُمْ بِالْقَدِيمِ وَأَنَا أُكْرَهُ النَّظَرَ إِلَى الْمَاضِي.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۴۷)

در مکان‌های سوم، ذائقه‌های شخصی افراد بیش از موقعیت آنان در زندگی اهمیت دارند. در قهوه‌خانه «زهره»، افرادی با تحصیلات و شغل‌های مختلف مثل وکیل، معمار، معلم و مغازه‌دار رفت و آمد می‌کنند،

این موضوع چندان مهم نیست؛ بلکه مهم آن است که افراد با کسانی که تا حدودی با طرز فکر آنها هماهنگی بیشتری دارند، در ارتباطند؛ به عبارت دیگر در این مکان‌ها، مردم افرادی را که برایشان جذاب-ترند، جایگزین کسانی می‌کنند که دیگر برایشان ارجحیت ندارند؛ همین عامل باعث نزدیکی عاکف به راشد و تمایل به ارتباط بیشتر با وی می‌شود. در اینجا آن‌ها صرفاً به خاطر خودشان پذیرفته می‌شوند و موضوعات اقتصادی و سیاسی دیگر مطرح نیست؛ به‌طور کلی، هم‌سطح‌کنندگی منجر به ایجاد بستری برای برابری تمام اعضا می‌شود؛ چراکه افرادی با ویژگی‌های مختلف سنی، فکری و اجتماعی می‌توانند با حضور در این فضاها، عمومی، خواسته‌ها و فعالیت‌های موردنظرشان را برآورده سازند.

از طرفی راشد گمان می‌کند که عاکف از علم جدید اطلاعات زیادی دارد و این موضوع باعث خوشحالی اوست؛ چراکه در قهوه‌خانه کسی هست که می‌تواند با او مناظره کند. غافل از اینکه عاکف فقط کتاب‌های قدیم را خوانده و از «اخوان‌الصفاء»، «منفلوطی» و «شوقی» حرف می‌زند. هر قدر که راشد از حضور احمد خوشحال است، عاکف ناراحت است؛ زیرا در بیشتر مواقع در بحث با او کم می‌آورد و سکوت می‌کند.

«وكانَ سُورُوَ الْمُحَامِي السَّابِ بَعُورَهُ عَلِيَّ إِنْسَانٍ مُتَّقِفٍ لَائِعَادِلُهُ سُورُوٌّ فَرَّغَبَ فِي الْمُنَاطَرَةِ رَغْبَةً قَوِيَةً.» (همان: ۵۴۸)

در کازینو دوستان رشدی و افرادی که مشغول لهو و لعب هستند، از نظر سن، تحصیلات و حتی محل سکونت و بی‌بند و باری اخلاقی، همگی در یک سطح هستند. یکی از دلایل اصلی رفت و آمدهای شبانه وی بین «سکاکینی» و «خان‌الخلیلی» با وجود سرمای شدید، همین موضوع است.

«وكانوا جَمِيعاً - مِثْلَهُ - فِي مُتَنَصِّفِ الْعِقْدِ الثَّالِثِ مِنْهُمْ مِنْ زَامِلِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ أَوْ مِنْ نَشَأَ مَعَهُ فِي السَّكَاكِينِي وَكَانُوا جَمِيعاً فِي الْمُجُونِ وَالْأَبَاحِيَةِ وَالْعَرَبِيَّةِ شَخْصاً وَاحِداً.» (همان: ۵۷۵)

به نظر می‌رسد عنصر هم‌سطح‌کنندگی در «قهوه‌خانه» و «کازینو»، بیش از هر مؤلفه دیگری در جذب دو شخصیت اصلی؛ یعنی احمد و رشدی به این دو مکان مؤثر است؛ زیرا احمد و رشدی را و می‌دارد تا در زمان‌های مشخصی در آنجا حضور داشته باشند و از ارتباط با افرادی مثل خود لذت ببرند.

۲-۲-۳. گفتگو

گفتگو، فعالیت اصلی مکان‌های سوم محسوب می‌شود. بهترین مشخصه مکان سوم، این است که صحبت کردن در آن همراه با سرزندگی، هیجان، وضوح و جذابیت است. «لبخندها و چشمک‌ها، دست‌دادن‌ها و پشت‌هم زدن‌ها، همه نشانه‌های اولیه ذوق حضور در مکان‌های سوم است، این ذوق‌ها با مکالمه‌های لذت‌بخش و سرگرم‌کننده ادامه یافته، حفظ می‌شود.» (گهل، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

اگر چه مکالمه تنها و اصلی‌ترین جذابیت مکان‌های سوم محسوب نمی‌شود؛ ولی می‌توانیم بگوییم که حداقل جزء ذاتی این مکان‌هاست؛ به عبارت دیگر، مکان سوم بدون عنصر مکالمه، معنا و مفهومی ندارد. در قهوه‌خانه «زهره»، افراد راجع به مسائل سیاسی با هم حرف می‌زنند، بدون اینکه بخواهند فعالیت سیاسی

انجام دهند. بحث سیاسی معمولاً بین سید عارف، کمال خلیل، عاکف، راشد و استاد نونو در جریان است. آنجا که گفتگوی آنها درباره جنگ جهانی دوم پیش برده می‌شود:

«وَسَيَنْتَهَزُ الْأَلْمَانُ فُرْصَةَ ضُبَابِ الْحَرِيفِ الْكَثِيفِ وَيَهْبِطُونَ عَلَى شَوَاطِي إِجْلِتْرَا وَيَهْوَنَ الْحَرْبِ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۵۵)

ادامه گفتگو با تکرار آن در زمان‌های دیگر به معنای انجام کارهای سیاسی نیست، در نهایت معلم نونو حد و مرز گفتگو را معین می‌کند و با این جمله آن را تمام می‌کند:

«مَلْعُونٌ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ فَلَا الْأَلْمَانُ أُمَّنًا وَلَا الْإِنْجِلِيزُ أَبُونَا، وَلَيَذْهَبُ بِهِمُ الشَّيْطَانُ جَمِيعًا إِلَى الْجَحِيمِ.» (همان: ۵۵۵)

این بدان معناست که افراد در قهوه‌خانه فقط حوادث جاری را دنبال می‌کنند و گفتگو تبدیل به شکلی از وابستگی به وطن و مسائل مربوط به آن نمی‌شود. قهوه‌خانه «زهره»، مکان مناسب این نوع گفتگوست و آغوش خود را به روی بحث در خصوص حوادث سیاسی گشوده است، هرچند که فرسنگ‌ها از آن دور باشد. این موضوع نشان می‌دهد که قهوه‌خانه فقط مکانی برای بازی، سرگرمی و دیدار دوستان نیست؛ بلکه در مواقع لزوم، افراد در خصوص مسائل مهم اجتماعی و سیاسی پیرامون خود نیز به بحث و تبادل نظر می‌پردازند؛ از این رو، پذیرای افراد تحصیل‌کرده، عامی، سیاسی، مبارز و ... با وجود گرایش‌های متعدد فکری است.

به طور کلی، باید گفت در مکان‌های سومی مثل قهوه‌خانه، اجازه داده نمی‌شود که هنر مکالمه همچون محیط‌های عمومی بزرگ‌تر افت کند؛ برخلاف عرصه‌های جمعی دیگر که موقعیت افراد حکم می‌کند، چه کسی، چه زمانی و چقدر سخن بگوید و چه کسی در برابر چه موضوعی بی‌تفاوت باشد، در قهوه‌خانه حتی افراد زیرک هم نمی‌توانند بر مکالمه‌ها حاکم شوند؛ زیرا همه آنجا آمده‌اند تا هم صحبت کنند و هم گوش دهند. همان‌گونه که نونو با مهارت خود اجازه نمی‌دهد بحث سیاسی بیش از حد به درازا کشیده شود.

در کازینو با وجود آنکه رشدی و دوستانش یک سالی از هم دور بوده‌اند؛ اما اغلب گفتگویشان در خصوص شراب، قمار، زن و ماجراجویی‌های غیراخلاقی است و به‌ندرت در خصوص موضوعات جدی بحث می‌کنند. این امر بیانگر تفاوت گفتمان غالب در مکان‌های عمومی مثل قهوه‌خانه و کازینو است. رشدی پرسید:

«-سَأَلَهُمْ بِلَهْفَةٍ: كَيْفَ تَسْهَرُونَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟»

-كَاللَّيَالِي الَّتِي سَبَقَتْهَا، سَنَنْتَقِلُ عَمَّا قَرِيبٍ إِلَى الْبَهْوِ الدَّاخِلِي.

-هَذَا جَمِيلٌ، وَلَكِنْ مَاذَا تَقُولُونَ فِي كَأْسِي كُونِيَاكِ أَوْ ثَلَاثَةٍ؟

-وَكَيْفَ الْفِسْقُ فِي أُسْيُوطَ؟

-فَقَالَ رُشْدِي: الْحَالُ هُنَا بَاتٌ قَرِيْبًا مِنَ الرَّيْفِ، هُنَاكَ عِقْفَةٌ بِالْإِكْرَاهِ. (همان: ۵۷۷)

کازینو به عنوان مکانی که از نشانه‌های مدرنیته است، عموماً افرادی را گرد هم جمع می‌کند که پای‌بندی چندانی به سنت‌ها، اعتقادات و قوانین حاکم بر جامعه ندارند. گواه این موضوع آن است که افراد بدون محدودیت زمانی و مکانی به کارهایی از قبیل نوشیدن الکل، استعمال مواد مخدر، قمار و احیاناً روابط غیراخلاقی مبادرت می‌ورزند. این امر علاوه بر صرف وقت و پول، منجر به انحرافات اخلاقی افرادی که غالباً قشر جوان هستند، می‌شود. از این رو طبیعی است که گفتمان غالب در کازینو حتی در مواردی که افراد بحث جدی هم داشته باشند، به زن و جنس کشیده شود که منجر به اوج جسارت و زیر پا گذاشتن اخلاقیات می‌شود.

۲-۲-۴. در دسترس بودن و دست‌یابی آسان

بیشتر مکان‌هایی که به عنوان مکان سوم عمل می‌کنند، در ساعت‌های روشن و خاموش روز، در دسترس هستند؛ علت آن است که مکان سوم، در زمانی که مردم از مسؤلیت‌های خود در جاهای دیگر آزاد شده‌اند، پذیرای آن‌هاست. «مکان‌های سوم بایستی آماده پاسخ‌گویی به نیاز مردم در برقراری رابطه‌های اجتماعی و آسایش در وقفه‌های زمانی قبل، میان و بعد از حضور مصنوعی‌شان در دیگر مکان‌ها باشند.» (Oldenburg, 1999: 37)

در قهوه‌خانه «زهره» افراد هر ساعتی که بخواهند می‌آیند و می‌روند و حتی تا نیمه‌های شب باز است، به‌خصوص در شب‌های رمضان که تا سحر بیدار هستند:

«وَعِنْدَ مُنْتَصَفِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ نَهَضَ أَحْمَدُ يُرِيدُ الْأَنْصِرَافَ فَمَعَ نُونُو وَهُوَ يَقُولُ: سَأَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ لِأَحْضُرَ مَعْطَفِي لِأَنَّ الْجَوْ تَشْتَدُّ بُرُودُهُ عِنْدَ الْفَجْرِ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۶۰)

فعالیتی که در مکان‌های سوم مثل قهوه‌خانه رخ می‌دهد، غالباً بدون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و ساختار مشخصی است. این امر به معنای بی‌نظمی یا بی‌توجهی افراد به کار یا خانه نیست؛ در واقع تمایل طبقه متوسط جامعه برای رهایی از سازمان‌دهی است که به مکان‌های سوم شخصیت و جاذبه می‌بخشد و به آن اجازه می‌دهد تا مردم را از چیزهای تکراری خانه و کار، کنار کشد و چند ساعتی را در خود گرد هم آورد. مکان‌های سومی که بهترین خدمات را ارائه می‌دهند، جاهایی هستند که مردم می‌توانند در هر ساعت از شبانه‌روز تنها به آنجا بروند، با این اطمینان که حتماً آشنایی در آنجا خواهند دید. در دسترس بودن چنین مکانی برای مواقعی که احساس تنهایی و کسالت بر انسان غالب می‌شود و یا فشارها و ناامیدی‌های روز، انسان را نیازمند دست‌یابی به آسایش در کنار همراهان خوب می‌کند، سرمایه ارزشمندی محسوب می‌شود.

زمانی که بیماری رشدی شدت می‌یابد، احمد به قهوه‌خانه «زهره» می‌رود به این امید که چند ساعتی در کنار دوستانش دردش را فراموش کند:

«وَذَهَبَ إِلَى الْقَهْوَةِ مُتَأَخِّرًا عَنْ مَوْعِدِهِ وَكَانَ يَجِدُ فِيهِ بَعْضَ الرَّاحَةِ لِأَعصابِهِ الْمُتَوَتِّرَةِ وَنَفْسِهِ الْمَحْزُونَةَ فَمَكَثَ بِهَا حَتَّى مُنْتَصِفِ الْعَاشِرَةِ، ثُمَّ عَادَ إِلَى الْبَيْتِ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۶۳۱)

رشدی که در اثر رفت و آمدهای شبانه به کازینو به سل مبتلا شده، بعد از یک ماه استراحت دوباره دلش برای کازینو، دوستانش و خوشگذرانی تنگ می‌شود. «رَغِبَ مِنْ نَاحِيَةِ أُخْرَى أَنْ يَتَنَاسَى أَنَّهُ يَطْوِي فِي رِثِيهِ الْيُسْرَى مَا تَقْشَعِرُّ الْأَبْدَانَ لِذِكْرِ اسْمِهِ فَدَخَنَ بِسُرُورٍ وَشَرِبَ كَأَسِينٍ مِنَ الْكُونِيَاكِ بَعَثًا لِلدَّفَاءِ إِلَى جَسَدِهِ الْبَارِدِ.» (همان: ۶۱۲)

کازینو ارتباطی تنگاتنگ با اعتیاد به نوشیدنی‌های الکلی، لحظات بی‌خبری و خالی شدن از غم و اندوه دارد؛ گاهی اوقات فرد نیاز به رفیقی دارد تا فارغ از مشکلات دنیای بیرون، از درد و رنج خود برای او بگوید. از این رو رشدی برای آنکه درد حاصل از بیماری خود را چند ساعتی فراموش کند، به کازینو می‌رود و بدون توجه به مضرات شراب، آن را با دوستانش می‌نوشد.

قهوه‌خانه و کازینو جزء اولین مکان‌هایی هستند که افراد در شرایط بحرانی به آنجا مراجعه می‌کنند؛ چراکه همواره افرادی را در کنار خود خواهند یافت که برای مدتی کوتاه، آنان را از شرایط موجود دور کند و حتی در برخی موارد به حالت تعادل برگرداند؛ به عبارت دیگر، مکان سوم علاوه بر خاصیت فراموشی گذشت زمان، این قابلیت را دارد که افراد حوادث ناخوشایند موجود را نیز برای مدتی کوتاه به فراموشی بسپارند.

۲-۵. مشتری‌های ثابت

چیزی که بازدیدکننده‌های همیشگی را جذب یک مکان سوم می‌کند، مدیریت آن مکان نیست؛ بلکه مشتری‌های آنجا هستند. «مکان سوم به خودی خود یک فضاست، مگر آنکه مردم مناسبی آنجا حضور داشته باشند تا آن‌را سرزننده سازند که همان مشتری‌های ثابت هستند؛ آن‌ها به مکان‌ها شخصیت می‌دهند و این اطمینان را به سایرین می‌دهند که در هر بازدید، برخی از آن‌ها آنجا حضور خواهند داشت. مشتری‌های ثابت حس سرزندگی را در مکان ایجاد می‌کنند و تأیید چهره‌های جدید توسط آن‌ها بسیار اهمیت دارد.» (دانش‌پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۴۶)

به عبارت دیگر، خوش‌آمدگویی صاحب مکان سوم با آن که اهمیت دارد؛ ولی تصمیم‌گیرنده نهایی نیست، در حالی که خوش‌آمدگویی و موافقت کسانی که آن طرف میز قرار دارند، تازه‌وارد را به دنیای جدیدی در مکان سوم دعوت می‌کند.

احمد قبل از آنکه صاحب قهوه‌خانه به او خوش‌آمد بگوید با استقبال مشتری‌ها به‌ویژه نونو مواجه می‌شود و او را به بقیه حاضران معرفی می‌کند.

«وَأَقْبَلَ عَلَى الْقَهْوَةِ مُتَرَدِّدًا لِأَنَّهُ لَمْ يَتَعَوَّدْ ارْتِيَادُ الْمَقَاهِي وَمَا كَادَ يَعْبُرُ بِأَبْهَا حَتَّى رَأَى نُونًا يَتَوَسَّطُ جَمَاعَةً مِنَ الْأَقْنَدِيَّةِ وَرَأَى الْمُعَلِّمَ فَتَهَيَّصَ قَائِمًا مُبْتَسِمًا وَقَالَ: أَهْلًا وَسَهْلًا تَفَضَّلْ يَا أَحْمَدُ أَقْنَدِي... ثُمَّ التَّمَّتْ إِلَى الْجَمَاعَةِ قَائِلًا: جَاؤْنَا الْجَدِيدُ أَحْمَدُ عَاكِفٌ الْمُؤَطَّفُ بِوِزَارَةِ الْأَشْغَالِ. فَتَهَيَّصَ الرَّجَالُ نَهْضَةً وَاحِدَةً فِي لُطْفٍ وَاحْتِرَامٍ وَمَضَى يُسَلِّمُهُمْ عَلَيْهِمْ وَاحِدًا فَوَاحِدًا وَأَوْسَعُوا لَهُ مَكَانًا بَيْنَهُمْ وَرَحَّبُوا بِهِ أَيَّمَا تَرْحِيبٍ فَأَخَذَ يَأْنِسُ بِهِمْ وَيَنْفُضُ عَنْ نَفْسِهِ الْارْتِيَاكَ وَالْحَيَاءَ.» (محموظ، ۱۹۴۶: ۵۴۴)

این یعنی مشتری های قهوه خانه مشخص می کنند که چه کسی به جمع آن ها اضافه شود یا نه و با او چه برخوردی داشته باشند. از طرفی پذیرش مشتریان باعث می شود که احمد از این قهوه خانه خوشش بیاید و شرم و و تردید را کنار بگذارد و از مردم دوری نکند و کم کم احساس عزت نفس و بزرگی کند: «لَمْ يُخَايِرْهُ شَيْءٌ قَطُّ فِي تَفَوُّقِهِ عَلَى هَوْلَاءِ النَّاسِ مِنْ جَمِيعِ الْأَعْتَابَاتِ وَالْوُجُوهِ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ السَّكَاكِينِي وَهُمْ مِنْ أبنَاءِ الدِّرَاسَةِ أَوْ الْجَمَالِيَّةِ. وَهُوَ الْمُفَكِّرُ وَالْعَقْلُ الْكَامِلُ وَهُمْ لَا مِنْ شَيْءٍ مِنْ هَذَا جَمِيعِهِ.» (همان: ۵۴۵)

علاوه بر این، او وجودش را در این قهوه خانه لطفی در حق افراد آنجا می داند؛ از این رو برای آنکه حقیقت وجودی خود را به آنان بنمایاند و مزیت های عقلی و فرهنگی خود را ثابت نماید، می بایست مرتباً به این مکان رفت و آمد کند؛ اما بر خلاف تصور اولیه وی از مشتریان قهوه خانه (که ظاهراً افرادی کم سواد هستند)، بعد از مدتی این مکان باعث می شود احمد به شناختی جدید از خود مبنی بر اینکه علم ناچیزی دارد، دست یابد.

در کازینو نیز پذیرش و استقبال مشتریان خیلی اهمیت دارد، رشدی با وجود یک سال دوری از کازینوی «سکاکینی» سعی می کند در زمان مناسب و قبل از شروع قمار خود را به کازینو و جمع دوستانش برساند:

«وَأَدْرَكَ أَنَّهُ وَصَلَ فِي الْوَقْتِ الْمُنَاسِبِ وَأَخَذَ يَقْتَرِبُ مِنْهُمْ مُبْتَسِمًا حَتَّى صَارَ فِي وَسْطِهِمْ، فَعَرَفُوهُ وَصَاحُوا مَعًا: رَشْدِي عَاكِفُ؟ أَهْلًا بِقَلْبِ الْأَسَدِ! وَسُرَّ بِسِمَاعِ لَقْبِهِ الْعَزِيزِ وَتَعَانَقُوا عِنَاقًا حَارًّا.» (همان: ۵۷۶)

مشتری های ثابت در حقیقت صاحبان اصلی مکان های سومی مثل قهوه خانه و کازینو هستند؛ چرا که نوع رفتار آنان به معنای پذیرش یا عدم پذیرش فرد تازه وارد در این گونه مکان ها قلمداد می شود، علاوه بر اینکه حال و هوای این گونه مکان ها بیش از هر چیزی متأثر از این مشتریان ثابت است؛ به عبارت دیگر، مکان های سوم هویت و شخصیت خود را به واسطه مشتریان ثابت در آن کسب می کنند و خود را به دیگران می شناسانند.

۲-۶. جدی نبودن محیط مکان های سوم

حال و هوای همیشگی مکان سوم، جدی نیست. هر فردی که بخواهد برای مدتی بیش از یک دقیقه بحث جدی داشته باشد، شکست خواهد خورد. هر موضوعی گویی یک بستر بالقوه برای نمایش ذکاوت مردم است؛ این روحیه غیر جدی در عین اهمیت بالای آن، گاهی اوقات با خنده ها و صداهای افراد به وضوح

به چشم می‌آید. «در مکان سوم، غلبه با لذت و توافق است و اضطراب و ناراحتی جایی ندارد. این عنصر سحرآمیز، افرادی را که در آنجا نیند گرم می‌کند و به افراد خارج از آن گوشزد می‌کند که آن‌ها جایی در این دایره جادویی ندارند؛ حتی اگر در فاصله کمی از این دایره نشسته باشند.» (دانش‌پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۲۸۰)

بحث جدی در قهوه‌خانه «زهره» زیاد طول نمی‌کشد؛ زیرا افراد به نحوی بحث را عوض می‌کنند و شوخی یا بازی می‌کنند. بعد از بحث جدی عاکف و راشد در خصوص سنت و مدرنیته، نونو به عاکف می‌گوید: «أَلَا تُحِبُّ أَنْ تَتَسَلَّى بِلَعَبِ سُبَيْ؟ فَتَنْظُرَ إِلَيْهِ كَمَا تَنْتَبَهُ مِنْ سُبَاتٍ بَعَثَهُ وَقَالَ بِيَسَاطَةِ: لَا أُدْرِي عَنِ الْأَلْعَابِ شَيْئاً، فَصَحَّحَكَ كَمَا لَخْلِيلٍ قَائِلاً: إِلَيْكَ رَاشِدٌ قَرِيناً وَشَبِيهاً فِي ذَلِكَ، فَتَسَامَرَا مَعاً رَئِيماً نَلْعَبُ سَاعَةً وَكَانَتِ الْجَمَاعَةُ قَدَانَقَسَمَتِ فَرِيقَيْنِ، فَلَعَبَ الْمُعَلَّمُ نُونُو وَكَمَا لَخْلِيلٍ الدُّومِينُو، وَلَعَبَ سُلَيْمَانُ عَتَّةً وَسَيِّدٌ عَارِفٌ التَّرْدُ.» (همان: ۵۴۶)

دلیل جدی نبودن جو قهوه‌خانه آن است که افراد از محیط‌های خانوادگی و کاری متفاوت، به این مکان آمده‌اند تا چند ساعتی را فارغ از مشکلات زندگی روزمره، به خود اختصاص دهند تا به نوعی به بازیابی روحی و روانی دست یابند. این مؤلفه در عین حال، منجر به ایجاد زمینه‌ای برای صحبت و تبادل نظر در کنار بحث‌های غیرجدی و دوستانه می‌شود؛ از این رو، قهوه‌خانه این آمادگی را ندارد که عرصه مسائل جدی و همیشگی افراد باشد؛ از طرفی علامتی که به طور قطع مشخصه پذیرش یک فرد در گروه مشتری-های همیشگی مکان سوم است، جدی نگرفتن افراد نیست؛ بلکه پذیرفتن آن‌ها در شکل بازی‌های گروهی است. نتیجه این امر آن است که مشتری‌های قهوه‌خانه زهره، بازی محبوب هر گروه را به بحث‌های جدی و حتی در برخی موارد، به شوخی ترجیح می‌دهند.

در کازینو بر خلاف قهوه‌خانه کمتر بحث جدی بین افراد پیش می‌آید و بیشتر وقتشان به شراب‌خواری و قمار می‌گذرد؛ دلیل این موضوع آن است که هویت «کازینو» بیش از هر چیز دیگر برای قمار و لهو و لعب شکل گرفته است.

۲-۳. دوگانگی‌های هویتی «قهوه‌خانه» و «کازینو»

«قهوه‌خانه» و «کازینو» به عنوان دو مکان سنتی و مدرن در رمان «خان‌الخلیلی»، دارای دوگانگی‌های هویتی هستند. این تقابل را در موارد زیر می‌توان برشمرد:

۱- قهوه‌خانه مکانی سنتی است که معمولاً بیشتر افراد میانسال به آنجا رفت و آمد می‌کنند. قهوه‌خانه کانونی اجتماعی است که در رمان عربی دلالت‌های خاص خود را دارد؛ چراکه این مکان نشانگر پیشرفت اجتماعی و فرهنگی و نیز نمونه کوچکی از دنیای بزرگ ماست، قهوه‌خانه، خانه الفت عمومی است که همه را بدون هیچ شرط و قرار از پیش تعیین شده‌ای می‌پذیرد.

۲- قهوه‌خانه در رمان «خان‌الخلیلی»، وسیله‌ای برای وقت‌گذرانی و فرار از یکنواختی زندگی روزمره است و برای هر کسی تداعی‌گر چیزی است، از جمله برای عاکف، اظهار فضل و خودنمایی نسبت به افراد داخل قهوه‌خانه و برای راشد، بحث و تبادل نظر در خصوص نظریات مدرن.

۳- در قهوه‌خانه علاوه بر بحث‌های جدی و شوخی، بازی‌هایی مثل دومینو و تخته نرد انجام می‌گیرد، افراد معمولاً چای یا قهوه می‌نوشند و یا قلیان می‌کشند.

۴- قهوه‌خانه علاوه بر اینکه مکانی برای نوشیدن چای و قهوه، قلیان و بازی است، می‌تواند مکانی برای تبادل اطلاعات و نظریات افراد مختلف باشد. فیلیپ هامون معتقد است: «انواعی از مکان‌ها وجود دارد که در آن اطلاعات حفظ یا دست به دست می‌شوند تا آن اطلاعات شکل مشخصی به‌خود بگیرد؛ مثل مکان‌های عبور و مرور، انتقال یا مکان اجتماعات.» (قاسم، ۱۹۸۴: ۳۹) قهوه‌خانه نیز از این دست مکان‌هاست که می‌تواند در آن اطلاعات هم محفوظ بماند و هم دست به دست شود. مثل اطلاعاتی که افراد در خصوص جنگ جهانی و حملات آلمان‌ها به هم می‌دهند، یا به‌واسطه قهوه‌خانه از مسائل شخصی و مشکلات یکدیگر باخبر می‌شوند.

۵- قهوه‌خانه در این رمان، سبب تحول مثبت در شخصیت عاکف می‌شود؛ زیرا وی را که پیش از این شخصیتی گوشه‌گیر داشت، به فردی اجتماعی تبدیل می‌کند؛ نتیجه این امر آن است که وی بیشتر در بیرون خانه و در قهوه‌خانه حضور پیدا می‌کند. «وَقَدْ اسْتَسَلَّمْ لَهُذِهِ الْعَادَةِ الْجَدِيدَةِ الَّتِي اسْتَأْثَرَتْ بِنِصْفِ الْوَقْتِ الْمُخَصَّصِ لِلْمُطَالَعَةِ وَوَجَدَ فِي الْمُعَاشِرَةِ لَذَّةً لَيْسَتْ دُونَ لَذَّةِ الْقِرَاءَةِ وَالْعُرْلَةِ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۵۶)

از طرفی رفت و آمد در قهوه‌خانه و به ویژه هم‌صحبتی با راشد- وکیل جوانی که اطلاعات علمی زیادی از علوم جدید دارد- سبب می‌شود که عاکف به این نتیجه برسد که از علم و دانش جدید چیز زیادی نمی‌داند و فقط معلوماتی پراکنده در خصوص علم قدیم دارد:

«فَمَا كَانَ يَظُنُّ قَطُّ أَنَّهُ سَعَى فِي خَانَ الْخَلِيلِيِّ عَلِيٍّ مِنْ يَتَحَدَّى تَقَاتَهُ وَيُجِيرُهُ عَلَى التَّسْلِيمِ بَأَنَّ فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمًا. وَتَسَاءَلَ مَحْزُونًا كَيْفَ غَابَتْ عَنْهُ دُنْيَا الْمَعْرِفَةِ الْحَدِيثَةِ؟ وَكَيْفَ يَسْتَكْمِلُ مَا فَاتَهُ مِنْهَا؟» (همان: ۵۶۱)

در خصوص «کازینو» می‌توان گفت:

۱- کازینو مکانی است که معمولاً افراد جوان به آنجا رفت و آمد می‌کنند و ارتباطی تنگاتنگ با تمدن و فرهنگ شهرنشینی دارد. «مهم‌ترین ویژگی کازینو آن است که مکانی برای استراحت، آزادی‌های شخصی و نیز مکانی برای نوشیدن و بی‌خود شدن از دنیای بیرون و واقعیت‌های آن است.» (صلاح، ۱۹۹۷: ۸۸)

۲- گرد هم آمدن در کازینو بیشتر جنبه منفی دارد تا مثبت؛ چراکه منجر به مستی، از خود بیخود شدن، حرف‌های غیراخلاقی، بیماری، قماربازی، از دست دادن پول و در برخی موارد منجر به مرگ می‌شود. «به‌طور کلی کازینو مکانی برای تزویر و حيله است؛ زمانی که شراب عقل را زایل می‌کند، فرد شروع به

هذیان‌گویی می‌کند و حقیقت و خیال را به هم می‌آمیزد یا اینکه جامه‌ای خیالی بر تن واقعیت می‌پوشاند.» (جبریل، ۲۰۰۰: ۹۸)

۳- در کازینو بازی و قمار بیش از بحث جدی اهمیت دارد. افراد به قدری مشغول ورق‌بازی هستند که اصلاً متوجه اطراف خود و حتی ورود افراد تازه‌وارد نمی‌شوند.

«وقد أراد أن يَصِلَ إلى كازينو عمرة في الوقت المناسب أو بمعنى آخر يَلُغَهُ قَبْلَ أن يَتَحَلَّقَ أصحابُه المائدة الخضرَاءَ وفي التَّعَجُّبِ حِكْمَةٌ لا تَحْفَى على من كان مثله ولكن اللاعيبين إذا انهمكوا في اللَّعِبِ لم يَحْفَلُوا بِاسْتِقبالِ قادمٍ ولو كان قُدومُه بعد فراقٍ عامٍ كاملٍ. وأجملُ ما يَجُودون بِهِ تَحِيَّةٌ مُقْتَضِبَةٌ وَعُيونُهُم لِاتِّفَارِقِ الوَرَقِ.» (محفوظ، ۱۹۴۶: ۵۷۵)

یکی از ترفندهای کازینو برای جلب مشتریان، ورق‌بازی، قمار و شراب است. یکی از دلایلی که رشدی و دوستانش را شب‌ها به کازینو می‌کشاند، آن است که هویت جامعه مصری مسلمان این را نمی‌پذیرد که شخص قمار کند و کسی که این کار را انجام می‌دهد، گویی گناهی نابخشودنی مرتکب شده است. شاید بتوان گفت قمار و شراب از دلایل مهم شکل‌گیری کازینوها بوده است؛ هر چند بعدها مصری‌ها رفتن به کازینو را به عنوان یک عادت تلقی نموده، رفته‌رفته رواج پیدا می‌کند.

۴- کسی که به کازینو می‌رود، بدون شک به شراب عادت می‌کند و به آن معتاد می‌شود. دیدار با دوستان در کازینو و کارهایی که در آنجا انجام می‌دهند، به قدری برای رشدی مهم است که با وجود بیماری خطرناک سل و تأکید پزشک بر دوری از سرما و مراقبت کامل، باز هم به آنجا می‌رود.

«وعندما أتى المساء مَضَى إلى السكاكيني وتلقاه الإخوان بالسرور وأخذوا في الحديث الماجن كعادتهم طويلاً، ثم انتقلوا إلى البهو الداخلي يُدخنون ويشرّبون ويقامرون ورغب من ناحية أخرى أن يتناسى أنه يطوي في رتته اليسرى ما تَسْعُرُ الأبدان لِذِكْرِ اسمِهِ فَدَخَنَ بِسرورٍ وشرّب كاسين من الكونياك بعثاً الدفء إلى جسده البارِد.» (همان: ۶۱۲)

در کازینو به افراد نوشیدنی‌های الکلی پیشنهاد می‌شود. این موضوع باعث می‌شود تا افراد تحت تأثیر نوشیدنی‌ها و دیگر مواد مخدر در نهایت بی‌خبری از دنیای اطرافشان به سر برند و در نتیجه ریسک‌های بیشتری انجام دهند. این یک دام خوب برای جلب رضایت مشتریان و طولانی شدن حضور آنان در کازینو است.

۵- در کازینو به جز شراب که منجر به عربده‌کشی می‌شود، صداها و خنده‌های افراد و حتی گریه‌هایشان به آسمان بلند می‌شود. «از این رو کازینو آمیزه‌ای از سر و صدا، رطوبت ناشی از کمی هوا به خاطر کمبود پنجره است.» (احمد، ۲۰۰۳: ۹۳) علاوه بر این، هزینه کازینو چند برابر قهوه‌خانه است. کثرت سر و صدا باعث می‌شود که آنان سخنان اخلاقی و غیراخلاقی بگویند، چیزی که باعث زیر پا گذاشتن چارچوب‌های اخلاقی می‌شود. حتی سخنان رشدی و دوستانش درباره سیاست - همانگونه که دیدیم - خالی از زن و جنس نیست.

۶- کازینو مکانی است که افراد آن خرافاتی و اهل فال خوب و بد هستند. این امر بیش از هر چیز نشأت گرفته از قمار و شرط بندی‌هایی است که با هویت کازینو عجین شده است؛ اما در قهوه‌خانه افراد اینگونه نیستند؛ به عبارت دیگر بازی‌هایی که در قهوه‌خانه انجام می‌گیرد، بیش از هر چیز شکل سرگرمی دارد. «وَفَضْلًا عَنْ هَذَا فَالِدَاخِلُ عَلَى لَاعِبِينَ يُعَدُّ يَمْنًا عَلَى الْفَائِزِينَ وَشُومًا عَلَى الْخَاسِرِينَ، وَالْمُقَامِرُونَ شَدِيدُونَ الْحَسَاسِيَّةَ، كَثِيرٌ وَالْوَسْوَسِ، يُؤْمِنُونَ بِالطَّيْرَةِ وَيَعْبُدُونَ الْحَطَّ». (محمفوظ، ۱۹۴۶: ۵۷۵)

۷- کازینو هویتی منفی دارد و منجر به تحولات منفی و غیرقابل جبرانی در رشدی می‌شود: «وَأُصِيبَ رُشْدِي بِالْأَنْفُلُونِزَا وَلَعَلَّهَا أَصَابَتْهُ أَثْنَاءَ عَوْدَتِي إِلَى "خَانَ الْخَلِيلِي" فِي الْهَزِيحِ الْأَخِيرِ مِنَ اللَّيْلِ فَرَاوَلْتُ نَشَاطَهُ الْمَعْهُودَ لِأَيْعَابِ بَشِيٍّ إِلَّا أَنَّ حَالَةَ الْمَرَضِ اشْتَدَّتْ عَلَيْهِ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي فِي الْمَصْرَفِ فَتَنَّاوَيْتُهُ قُشْعَرِيَّةً وَعَرَاهُ حَوْرًا أَظْلَمَتْ مِنْهُ عَيْنَاهُ فَغَادَرَ الْمَصْرَفَ». (همان: ۵۹۷)

هویت منفی کازینو ناشی از آزادی عمل شخصی افراد است. این هویت منفی در قالب کارهایی مثل اعتیاد به شراب، لحظات بی‌خبری، قمار، سخنان غیراخلاقی، زن و جنس بروز پیدا می‌کند؛ زیرا رفت و آمدهای شبانه رشدی بین دو محله «سکاکینی» و «خان‌الخلیلی» در زمستان، زیاده‌روی در شراب و لهو و لعب و نبود هوای کافی منجر به بیماری (آنفلونزا و سل) و در نهایت مرگ وی می‌شود؛ چرا که رشدی با وجود بیماری شدید و منع دکتر و اطرافیان نمی‌تواند عادت رفتن به کازینو را کنار بگذارد و همین موضوع، بیماری ساده وی را تبدیل به مرضی لاعلاج به نام سل می‌کند.

نتیجه‌گیری

مکان سوم به عنوان مکانی که حد واسط بین خانه و محل کار است، تعریف می‌شود. «قهوه‌خانه»، مکانی سنتی و «کازینو»، مکانی مدرن به عنوان مکان‌های سوم در رمان «خان‌الخلیلی» نجیب، دارای ویژگی‌های هویتی خاص خود هستند. این ویژگی‌ها که برگرفته از نظر «ری اولدنبرگ» هستند، عبارتند از: خشتی بودن، هم‌سطح کنندگی، جدی نبودن، گفتگو، دستیابی آسان و مشتری‌های ثابت.

«قهوه‌خانه» و «کازینو» در این رمان می‌تواند تقابل بین دو مکان مثبت و منفی باشد که در عین حال، نقشی مهم در تحول ساختار شخصیت‌های اصلی این رمان ایفا می‌کنند.

«قهوه‌خانه» به عنوان مکانی مثبت، متناسب با محله سنتی «خان‌الخلیلی» و شخصیت و سن احمد- قهرمان میانسال رمان- است. قهوه‌خانه منجر به بهبود روابط اجتماعی وی و نیز تغییر اساسی در نگرش وی می‌شود؛ زیرا تا پیش از رفت و آمد به قهوه‌خانه گمان می‌کرد که دارای اطلاعات علمی فراوان است؛ اما در نهایت و در نتیجه ارتباط با راشد متوجه می‌شود که فقط اطلاعات ناچیزی از علوم قدیم دارد. از طرفی قهوه‌خانه سبب می‌شود که وی از شخصیتی گوشه‌گیر- که بیشتر وقت فراغت خود را در خانه و به مطالعه سپری می‌کرده- به شخصیتی اجتماعی با روابط خاص تبدیل شود.

«کازینو» مکان سوم منفی در تقابل با «قهوه‌خانه»، متناسب با محله نسبتاً مدرن سکاکینی (که اکثراً یهودی هستند) و نیز سن، شخصیت و روحیات رشدی برادر کوچک احمد است. رفت و آمدهای شبانه و گاه تا سحر رشدی به کازینوی محله سکاکینی، منجر به تحولات منفی در وی می‌شود که در آغاز در قالب بیماری آنفلوآنزا و سپس ابتلا به سل و در ادامه از دست دادن شغل و در نهایت مرگ وی نشان داده می‌شود.

منابع

منابع عربی

- أحمد، مرشد. (۲۰۰۳م). *المكان والمنظور الفني في روايات عبدالرحمن منيف؛ الطبعة الأولى، حلب: دار القلم.*
- الأنصاري، فاضل. (۱۹۸۷م). *الجغرافيا الاجتماعية؛ دمشق: المطبعة التعاونية.*
- التواتي، مصطفى. (۲۰۰۸م). *دراسة في روايات نجيب محفوظ (اللص والكلاب، الطريق، الشحاذ)؛ الطبعة الثالثة، بيروت: دارالفارابي.*
- جبريل، محمد. (۲۰۰۰م). *مصر المكان - دراسة في القصة والرواية؛ مصر: المجلس الاعلى للثقافة.*
- سعاد، دحماني. (۲۰۰۸م). *دلالة المكان في ثلاثية نجيب محفوظ دراسة تطبيقية، رسالة لنيل درجة الماجستير، كلية الآداب واللغات، جامعة الجزائر.*
- صلاح، صالح. (۱۹۷۷م). *قضايا المكان الروائي في الادب المعاصر؛ القاهرة: دار شرفيات.*
- الضبع، مصطفى. (۲۰۰۰م). «المقهى في الرواية العربية»؛ *وجهات نظر، العدد ۱۸، صص ۱-۲۴.*
- قاسم، سيزا. (۱۹۸۴م). *بناء الرواية دراسة مقارنة لثلاثية نجيب محفوظ؛ القاهرة: الهيئة المصرية للكتاب.*
- القصيري، اعتماد يوسف. (۱۹۸۱م). «أماكن اللهو والتسلية في بغداد خلال فترة المحكم العثماني»؛ *سومر، المجلد ۵۲، صص ۴۹۳-۵۱۳.*
- محفوظ، نجيب. (۱۹۴۶م). *خان‌الخليلي؛ الطبعة الاولى، بيروت: مكتبة لبنان.*

منابع فارسی

- دانش‌پژوه، حمید و الیاس مدیری. (۱۳۹۳). *هویت، مکان و مکان‌سازی؛ تهران: آذرخش.*
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا؛ جلد دوازدهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.*

- کاظم زاده، نسرين و ديگران. (۱۳۹۸). «ابعاد دل‌بستگی مکانی در رمان سوئیس، وطن و تبعیدگاه (سوئیس‌الوطن والمنفی) از سناء أبوشرار»؛ فصلنامه لسان مبین، سال یازدهم، شماره سی و هفتم، صص ۸۹-۱۰۸.

- گهل، یان. (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها؛ ترجمه شیما شصتی، تهران: جهاد دانشگاهی.

منابع لاتین

-Montgomery, J.(2006).**Community strengthening through urban sociability.** Urban Cultures Ltd.

-Oldenburg, R. (1999). **The great good place:Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons.** Washington: Marlowe & Company.

-Simpson,J., and weiner,E. (1989).**the oxford English Dictionary,second Edition,**publisher: oxford.

دراسة هوية المكان الثالث في رواية «خان الخليلي» لنجيب محفوظ على أساس نظرية «ري اولدنبرج»^{*}

نسرین کاظم زاده، دكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس
فرامرز ميرزائي، أستاذ في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس

الملخص

ري اولدنبرج عالم الاجتماع المدني أبداع في سنة ١٩٩٠ مصطلح المكان الثالث لكي يوضح الأمكنة التي تجمع الناس مفاجأة ودون أيّ تخطيط لإيجاد المجتمع. المكان الثالث هو المكان العام الذي يتوسط بين المكان الأول «كالبيت» والمكان الثاني «كمكان العمل». البساتين والحدائق والمقاهي والمطاعم والمكتبات وكل مؤسسة تؤدي إلى سلامة المجتمع، تسمى المكان الثالث. رواية «خان الخليلي» لنجيب محفوظ لها مكانان رئيسان هاما هما المقهى والكازينو. لكل منهما دور بارز في تحول حياة الشخصيتين الرئيسيتين لهذه الرواية أي أحمد ورشدي. هذا البحث يهدف بالاستفادة من نظرية اولدنبرج إلى هوية الأمكنة الثالثة لكي يحلّل خصائص هذين المكانين ثمّ التقابل الناتجة منهما في الرواية المذكورة. تحكي النتائج عن أنّ القهوة والكازينو لهما خصائص هامة كالحادية والمساواة والحوار والبساطة والزبائن الثابتة.

كلمات مفتاحية: هوية المكان الثالث، المقهى والكازينو، ري اولدنبرج، خان الخليلي، نجيب محفوظ

^{*} - تاريخ الوصول: ١٣٩٨/١٠/١٠ تاريخ القبول: ١٣٩٩/٠٣/٠٦

- عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤول: nkazemzade@yahoo.com

- المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2020.12366.2950